



ابوالفضل توکلی‌بنا:

حمایت عملی امام  
از یاران مؤتلفه اسلامی

رئیس مجلس شورای اسلامی:

شهادت مؤتلفه اسلامی در دوران  
ظلمت مسیر را نشان دادند

دکتر بادامچیانی:

نظر امام خمینی (ره) در خصوص  
جهاد مسلحانه مؤتلفه اسلامی



مؤتلفه اسلامی

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹

۳۳ شوال ۱۴۴۱ هـ قمری ۱۵ ژوئن ۲۰۲۰

شماره ۱۱۱۲ □ ۱۰۰۰۰۰۰۰ روال

[www.shoma-weekly.ir](http://www.shoma-weekly.ir)

# اقدامی پخته و بر اساس محاسبات انسانی و شرعی



ندانستند. در نهایت آنها تلاش کردند اگر منع امام(ره) برداشته شد وارد این کار شوند. زمانی که حضرت امام(ره) به مرحوم عسگرولادی فرمودند شما کاری به این مسائل نداشته باشید و کار خودتان را انجام بدهید، این جوانان احساس کردند امام(ره) منعشان را برداشتند. اینکه این جوانان این گونه دقیق حرکات و کنش سیاسی شان را دنبال می کنند حاکی از پختگی آنهاست. اینها متوجه عواقب امر بودند و به هیچ وجه از روی ساده لوحی و احساسات دست به چنین کاری نزدند. آنها عملیات بدر (اعدام انقلابی حسنعلی منصور) را با این دیدگاه انجام دادند که انتهای این مسیر شهادت است. شهید محمد بخارایی در نوار صوتی ۲۰ دقیقه‌ای که ضبط کرد گفت ما اولین گلوله را به سینه دشمن رها می کنیم تا به جوانان مسلمان بگوییم به پیش! حرکت کنید. توضیحات بعدی این شهید نشان می دهد نه تنها اقدام این شهدا ناپخته و از روی احساسات نبوده، بلکه سنجیده و بر اساس محاسبات انسانی و شرعی بوده است. آنها برای این اقدام از مراجع تقلیدی چون آیت الله میلانی و افراد دیگری مجوز گرفتند. در حرفه‌هایی که پس از دستگیری و در دادگاه زند آردمان و هدفشان را تشکیل حکومت اسلامی بیان کردند.

اگر خودمان را در شرایط بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ قرار دهیم متوجه خفقان و اختناق حاکم بر کشور بعد از آن قیام می شویم. رژیم ستمشاهی با کشتاری که در ۱۵ خرداد انجام داد ترس و وحشتی را در مردم به وجود آورد. در آن شرایط فعالیت سیاسی علیه رژیم بسیار سخت و دشوار شد.

## ● راهی برای باز شدن فضای سیاسی کشور

نامه‌ای که شهیدای ۲۶ خرداد به مراجع و شخصیت‌ها نوشته و دلایلشان را برای دست به زدن اقدام مسلحانه علیه رژیم مطرح کرده بودند حاکی از این است که مجموعه مبارزین که شاخه نظامی مؤتلفه اسلامی را تشکیل می دادند به این جمع بندی رسیده بودند که مبارزه با رژیم از طریق سیاسی و تبلیغاتی به بن بست رسیده است و جز اینکه اقدام مسلحانه‌ای انجام شود و اشخاص مهمی در کشور اقدام انقلابی شوند راه دیگری برای باز شدن فضای سیاسی کشور برای ادامه مبارزه علیه رژیم وجود نخواهد داشت. این نامه‌ها بسیار پخته، عمیق و مستدل بودند و نشان از پختگی جوانان مؤتلفه بود. آنها کاملاً مطلع از مسائل دینی و اسلامی و جوانان متشرعی بودند و اصرار داشتند نظر مراجع تقلید را برای صحت و درستی کارشان جلب کنند. پس از اینکه تشخیص دادند به این کار از لحاظ شرعی و اسلامی اشکالی وارد نیست وارد عمل شدند.

## ● منع امام(ره) برداشته شد

آنها چند بار مرحوم حبیب الله عسگرولادی را واسطه کردند که مجوز را از امام(ره) بگیرند. ایشان موضوع را با امام(ره) در میان گذاشت. امام(ره) جز در مورد شاه اشخاص دیگر را اقدام مناسب و موافقی

## فضل الله فرخ:

# تأثیر اقدام شهدای مؤتلفه حفظ ولایت و جان امام بود

چه کسی تو را تحریک کرد، پاسخ داد شما مرجع تقلید ما را دستگیر و تبعید کردید. بعد هم گفت این اول کار است. من شروع کردم تا بعد از این جوانان این راه را ادامه بدهند. به همین دلیل رژیم وحشت کرد و سبب شد از تصمیم سوئی که در باره امام داشت منصرف شود و امام را از ترکیه به نجف فرستاد. با این حرکت شهدای مؤتلفه جان امام حفظ شد. اشعاری که آقای فضل الله فرخ در باره شهدای مؤتلفه سروده بودند:

بیست و ششم خرداد یادآور یاران است  
یادآور خونین آن چهار دلیران است  
بیست و شش خرداد دارد افقی گلرنگ  
زیبایی سرخ آن از خون شهیدان است  
شامش چه غمین بود و تاریک بسی، اما  
اندر پی آن روزی نورانی و تابان است  
دادند پیام آن شب با حنجره خونین  
هنگامه جانبازی بر جمله یاران است  
در آن شب ظلمانی نیکو بدرخشیدند  
شب تابایی و جانبازی این رسم عیاران است  
رفتند سوی معشوق با چهره خون آلود  
این گونه خودآرایی از عشق مداران است  
شد چهار قمر پنهان از نظر یاران  
گفتند چرا پنهان خورشید جماران است  
دشمن چه خزان می دید پرپر شدن گل‌ها  
اندر چمن عشاق، این رسم بهاران است  
در مسلخ عشق حق بر خصم خروشیدند  
آثار وفاداری این چهره خونبار است  
فرخ که بُدی روزی خود همسفر یاران  
امروز در این وادی سرگشته و حیران است

فضل الله فرخ، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی پیرامون تأثیرات اعدام انقلابی حسنعلی منصور توسط شهدای ۲۶ خرداد سال ۱۳۴۴ به خبرنگار ما گفت: با تبعید امام(ره) به ترکیه خفقان عجیبی بر کشور حاکم بود و داشتن عکس، اعلامیه و رساله امام(ره) و نام بردن از ایشان ممنوع بود و هر کس اسمی از امام(ره) می برد به زندان می افتاد. تأثیر اقدام شهدای مؤتلفه حفظ امام و ولایت بود. وی افزود: مقام معظم رهبری در باره این شهدا فرمودند اینها «نور الله فی ظلمات الارض» بودند. آنها نوری در تاریکی اختناق بودند.

## ● جرات شهدای مؤتلفه

این عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در خصوص نخستین تأثیر اقدام شهدای مؤتلفه مطرح کرد: با اعدام انقلابی حسنعلی منصور شهیدای ۲۶ خرداد سال ۱۳۴۴ از شخصی که خیانت کرده و لایحه کاپیتولاسیون را به تصویب مجلس رسانده بود انتقام گرفتند و او را به درک واصل کردند که دیگران جرأت چنین خیانت‌هایی نکنند. وی دومین تأثیر اعدام انقلابی منصور را شکسته شدن خفقان حاکم بر کشور دانست و اظهار کرد: این خفقان به حدی شکسته شد که مأمورینی که هر روز می آمدند و در مسجد جامع جمع می شدند و صف می کشیدند و سخنرانان را دستگیری می کردند وحشت کردند و دیگر در مسجد حضور پیدا نکردند.

## ● امیدواری مردم پس از اعدام انقلابی حسنعلی منصور

فرخ خاطر نشان کرد: سوم اینکه مردمی که مأیوس، ناامید و تهیدید شده بودند روحیه پیدا کردند و دو باره به حرکتشان ادامه دادند. وی در خصوص چهارمین تأثیر اقدام شهدای مؤتلفه گفت: وقتی در دادگاه از شهید محمد بخارایی پرسیدند چرا دست به این اقدام زدی و

امام خامنه ای:

# شهدایی که نور خدا بودند و درخشیدند



این شهدای چهارگانه‌ای (امانی، هرندی، نیک‌نژاد، بخارائی) که جناب آقای اسکروالادی از این بزرگواران یاد کردند، شاید این تعبیر درباره آنان درست باشد که بگوییم «نورالله فی ظلمات الارض»! حقیقتاً در دوران ظلمات، نور خدا بودند که درخشیدند و فضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند.

امام خامنه ای ۱۳۷۸/۳/۲۶

روایت مرحوم هاشمی رفسنجانی از اقدام مسلحانه انقلابی

## حرکت مؤتلفه مانع گستاخی رژیم می شد

مرحوم هاشمی رفسنجانی در باره علل اتخاذ مشی قهرآمیز می گوید:  
موج جدید مبارزه از سال ۱۳۴۱ پیدا شد... یک حرکت اسلامی بود بر پایه موعظه و نصیحت و با سخنرانی، اعلامیه، تظاهرات، اجتماعات عظیم و اعتراضات صریح و افشاگری و ارشاد سیاسی علنی و حضوری فراگیر در سراسر کشور. ماهیت این مبارزه دینی و سیاسی بود، بی آنکه بخواهیم دست به اسلحه ببریم. بعد از خشونت که رژیم نشان داد و تظاهرات بدون خشونت مردم را (در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲) به خاک و خون کشید و در پی آن زندان‌ها و اعدام‌ها، واکنشی پیش آمد و عده‌ای به این فکر افتادند که نمی‌توان به حرکت نظامی رژیم پاسخ سیاسی داد. پاسخ مناسب خشونت، خشونت است.

### ● حرکت مورد تأیید

از طرفی تجربه‌ها و سوابق گذشته گروهی از فداییان اسلام هم - مثل حاج مهدی عراقی و حاج صادق امانی - که از یاران نزدیک امام بودند در گرایش به حرکت مسلحانه مؤثر بود. چنین بود که در کادر مرکزی مؤتلفه گروهی راه مبارزه مسلحانه را انتخاب کردند. تکروی هم نبود. دوستان دیگر آنان هم این حرکت را تأیید می‌کردند. ما هم در سطح محدود و کنترل‌شده مخالف نبودیم، چون احساس می‌شد اگر با آن خشونت رژیم با نرمش برخورد شود گستاخ‌تر می‌شوند... با چنین زمینه‌ای گروهی از مؤتلفه به مبارزه مسلحانه گرایش پیدا کردند.

برگرفته از: کتاب عراقی و آغاز نهضت امام خمینی



روایت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی از حرکت جوانان مؤتلفه:

## مردم خوشحال بودند که چنین جریانی پدید آمد

آیت‌الله مهدوی کنی: وقتی حسنعلی منصور را در اعتراض به تبعید امام از ایران ترور کردند و خبر آن در رادیو منتشر شد، بعد گفتند که چه کسانی زدند؟ من آنها را می‌شناختم. این بچه‌ها از جوانانی بودند که به مسجد ما می‌آمدند. آنها عبارت بودند از شهید هرندی، شهید نیک‌نژاد و شهید محمد بخارایی. البته آقای امانی را نمی‌شناختم، ولی این سه نفر در جلساتی که برای جوان‌ها شب‌های شنبه در مسجد جلیلی داشتیم شرکت می‌کردند.

شبی جلسه بحث و گفتگو بود. البته بحث‌ها در ظاهر به عنوان بحث‌های کلامی و عقیدتی مطرح می‌شد. نیک‌نژاد دفترچه‌ای داشت و همیشه از روی آن دفترش سؤال می‌کرد یا در آن چیزی می‌نوشت که من اسم ایشان را گذاشته بودم «آقای جزوه‌ای». گاهی از روی همان جزوه می‌خواند. مطالب، یعنی معلوماتش را در دفترش ضبط می‌کرد و همیشه این‌گونه بود. یک شب به او گفتم آقای جزوه‌ای در جزوات چه نوشتی؟ اینها را به عنوان جوان‌های متدین و علاقمند به دین و باسواد و چیزفهم می‌شناختم. کسانی بودند که در آن جلسه سؤال و جواب زیاد داشتند. اشکال‌های خوبی می‌کردند و خودشان نیز اظهار نظر می‌کردند.

بعد که ما شنیدیم اینها در جریان قتل منصور شرکت دارند آن وقت تازه به قول معروف خبردار شدیم که در جریانات دیگر هم بودند، چون بنده خودم حقیقتاً در جریانات هیئت مؤتلفه و قتل منصور نبودم. رژیم روی منصور خیلی تبلیغ می‌کرد



و اشک تمساح می‌ریخت و شاه او را فردی خدمتگزار و دلسوز ملک و ملت قلمداد می‌کرد. چون کشته شدن منصور برای آنها خیلی گران تمام می‌شد خبر فوت او را یکی دو روز مخفی کردند. به منظور اینکه جو را به نفع خودشان آرام نگه دارند. تبلیغ می‌کردند که حال او خوب است. پروفیسور فلان آمده و چه کرده است، اما احساس می‌کردیم برای دستگاه کشته شدن منصور خیلی سنگین است و شاه نیز طی یک سخنرانی خیلی تعریف کرد که این [منصور] به مردم خدمت می‌کرد و روزی شانزده ساعت کار می‌کرد. چه جرمی داشت که او را ترور کردند.

مردم خوشحال بودند که چنین جریانی پدید آمد که اولین نقطه آغاز بود و بعد از آن جریانات دیگری شروع شد. عده‌ای معتقد بودند مبارزه مسلحانه درست نیست و گروهی هم می‌گفتند خوب است. امام بر حسب ظاهر نسبت به کارهای مسلحانه روی خوش نشان نمی‌دادند، ولی در این مورد بعداً ما از بعضی دوستان شنیدیم که با اجازه بوده است. گویا از طرف آیت‌الله میلانی بود.

برگرفته از خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی

رئیس مجلس شورای اسلامی:

## شهادت مؤتلفه اسلامی در دوران ظلمت مسیر را نشان دادند



رئیس مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس یاد و خاطره شهدای مؤتلفه؛ امانی، بخارایی، صفار هرندی و نیک‌نژاد را گرامی داشت.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، دکتر محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی در نطق پیش از دستور خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گرانقدر مؤتلفه که فردا ۲۶ خرداد سالروز شهادت آنها است، گفت: یاد و خاطره شهیدان امانی، بخارایی، صفار هرندی و نیک‌نژاد را گرامی می‌داریم.

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مقام معظم رهبری درباره آنها فرمودند این شهدا "نورالله فی ظلمات الارض" بودند و در دوران ظلمت درخشیدند؛ فضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند که یاد همه شهدا و مخصوصاً این ۴ شهید عزیز را گرامی می‌داریم.

## فرزند شهید حاج صادق امانی مطرح کرد:

## هوشیاری شهدای مؤتلفه اسلامی در جلوگیری از تحریف یک حادثه

انجام می‌دادند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های پدر شما استکبارستیزی بود چگونه ایشان در شرایط آن سال‌ها به چنین درکی رسیدند؟

همین عمل به تکلیف و وظیفه به بهترین وجه این شهدا را به این نقطه رساند که اگر حتی در گوشه‌ای از این عالم ظلمی شود آنها نسبت به آن ظلم بی‌تفاوت نباشند و سرشان تنها به زندگی خودشان گرم نباشند. ما شعاری درباره جهانی

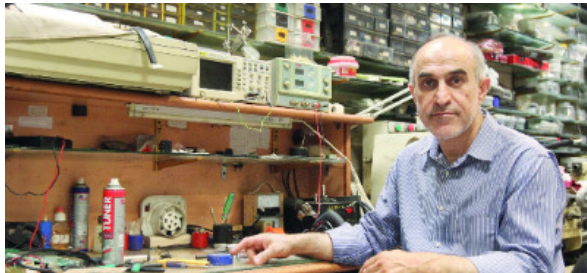


شدن نهضت حضرت مهدی(عج) داریم ولی اینکه انسان هر جمله و کلمه‌ای را با هدف عمل به تکلیف به کار ببندد بسیار مهم است و ممکن است وقتی ما بار مسئولیت کار و تکلیف را می‌سنجیم از زیر آن شانه خالی کنیم، این شهدا در زمانی که این مسائل مطرح نبود، مواظب بودند تکالیفشان را هر چقدر سنگین انجام دهند ادای جزئیات تکلیف هم به همان میزان برای آنها اهمیت داشت؛ به طور مثال وقتی تصمیم گرفتند منصور را که مسبب تصویب کاپیتولاسیون است بزنند،

گزینه‌های کم‌خطر و ساده‌تری مثل مسجد و یا تعاونی که می‌خواست آن را افتتاح کند هم می‌توانست مطرح باشد اما این‌ها مقابل مجلس را با تمام مخاطراتش انتخاب کردند آنها هنگامی که می‌خواهند اعتراض به کاپیتولاسیون و فروش ایران را نشان دهند سخت‌ترین کار را انتخاب می‌کنند تا پیغامشان کامل ابلاغ شود تا مبادا در آینده این پیام تحریف شود این دقت‌های زیاد باعث برکت کار آنها شد.

چگونه می‌توان بعد از بیش از پنجاه سال الگوی شهدای استکبارستیزی در مؤتلفه اسلامی را برای نسل جوان محور قرار داد؟

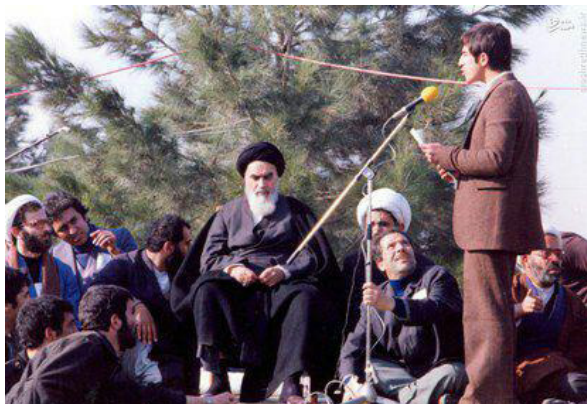
در آن زمان عمده مردم دقت به استکبار و توطئه‌های آمریکا نداشتند حتی وقتی این عزیزان چنین حرکتی کردند عده‌ای به سرزنش آنها پرداختند اما ایشان با نهایت دقت و توجه به جزئیات براساس الزامات آن زمان کاری را کردند که حتی امروز هم نمی‌توان کوچکترین خرده‌ای به آن گرفت امروز اگر ما بخواهیم کاری کنیم باید مثل آنها رفتار کنیم در مبارزات زمانی بود که برخی از گروه‌ها می‌گفتند هدف وسیله را توجیه می‌کند و این‌ها عمدتاً می‌خواستند از راه ناحق به هدف برسند این درحالی است که اتکای سیره انبیاء رسیدن به حق از راه حق بود اینکه امروز دنیا به سمت و سویی می‌رود که فشار امپریالیسم نسبت به نژادپرستی و ظلم و... مطرح می‌شود مهم است که ما کوچکترین کوتاهی و غفلتی نداشته باشیم و جریانات را بشناسیم. جوانان ما باید چنین حالی داشته باشند یعنی وقتی رهبرانقلاب تحلیلی ارائه می‌دهند به درک درست آن رسیده باشیم اینکه یک جوان انقلابی بصیرت داشته باشد به این معناست که بتواند در همه موارد شناخت و بینش کامل نسبت به موضوع داشته باشد وقتی این الگو ایجاد شود می‌تواند تکلیف خود را تشخیص بدهد و این مهم برای نهضت جهانی حضرت بقیه الله مهم و مفید خواهد بود. امروز شناخت و عمل به تکلیف به عنوان حقوق انسانی و اسلامی یک حق الناس است و بی‌توجهی و شانه خالی کردن به این حقوق باعث سختی پاسخگویی در روز قیامت خواهد شد.



شاید به جرأت بتوان گفت مؤتلفه اسلامی در میان تشکل‌ها و گروه‌های گوناگون از الگوی عملی جوان معیار برخوردار است این الگو درست در سال ۴۲ و در بحبوحه یک رویداد تاریخی تلخ به نام کاپیتولاسیون خود را نشان داد و تا امروز به همان قوت مانا و استوار باقی مانده اکنون در آستانه شهادت حاج صادق امانی و یارانش به سراغ حاج قاسم امانی فرزند ایشان رفته و با او به گفتگو نشستیم:

بارزترین ویژگی معنوی شهید امانی که در زندگی ایشان نمود عینی و عملی پیدا کرد چیست؟

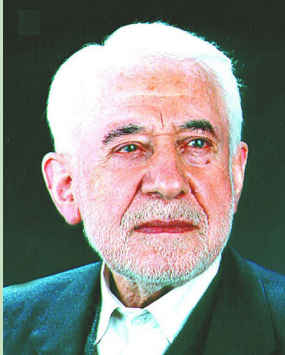
به قول مرحوم استاد عسگرآولادی، حاج صادق امانی انسانی بودند با ویژگی همه‌بُعدی، ایشان در همه زمینه‌ها سعی کرده بودند خودشان را به اوج برسانند اینطور نبود که تنها در یک زمینه موفق باشند، من گاهی فکر می‌کنم انبیاء و اولیاء الهی همیشه سعی می‌کردند آنطور که سبقه الهی است تکالیفشان را ادا کنند و همرنگی و رضایت با سبقه الهی برایشان مهم است. تشخیص این مقوله و رعایت اهمیت رضایت خداوند دشوار است اما این حالت در همه زندگی حاج صادق وجود داشت وقتی نگاه به زندگی ایشان می‌کنیم می‌بینیم که جوانان هم‌سن ایشان در پی کسب و کار و نهایت تحصیل بودند شرایط هم در خصوص روحانیت بنا بر دلایلی اینطور نبود که همه همراه امام باشند اما حاج صادق و یارانشان به عنوان جوان انقلابی در تمام زمینه‌ها دقت داشتند. مطالب زیادی درباره



حاج صادق نقل می‌شود به طور مثال اینکه چندین هزار حدیث از حفظ بوده و برای هر کاری حجتی از آن حدیث می‌آورده و در رفتارهایشان دقت زیادی داشتند که کاری که می‌خواستند انجام دهند نزد خدا حجت داشته باشند، متأسفانه بسیاری از کارها تکلیف و حجت است اما به آن دقت نمی‌کنیم و از کنارش به سادگی می‌گذریم اما ایشان هر کاری را که تکلیف الهی خود می‌دانستند بدون کمترین مصلحت‌اندیشی دنیایی

مرحوم حاج سعید امانی:

# برادرم یک دانه سوزن هم بدون رأی و حکم مرجع تقلیدش بر نمی‌داشت



این سند هم طبق آنچه ما اطلاع داریم از نظر فتوایی که برای انجام عملشان بگیرند تا حدودی احتمال دارد آقای میلانی بعداً حکم داده باشند و یا از خود آقایانی که پنج نفر بودند رأی گرفته باشند. منتهی اینجا نمی‌خواستند اصلاً پای امام را در کار بیاورند. مسئله زمان و اقتضای روز بود. مشکلاتی بود که دولت هم می‌خواست در این زمینه خطایی بگیرد. به همین خاطر

نمی‌خواستند ایشان را در معرض خطر قرار دهند.»

بر گرفته از: تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهید صادق امانی

سعید امانی معتقد است برادرش صادق به دلیل اعتقاد به ولایت فقیه و مرجع تقلید بدون اذن آنان اقدامی انجام نمی‌داد، لذا فتوای شرعی ترور منصور توسط امانی و دیگر اعضای شورای مرکزی مؤتلفه از آیت‌الله میلانی و شورای روحانیت مؤتلفه اخذ شده بود. همچنین وی معتقد است با توجه به فضای سرکوب و اختناق بعد از تبعید امام هرگونه استفتاء از امام در باره فتوای ترور احتمال خطر برای امام در پی داشت. وی در این باره می‌گوید:

«... حکم شرعی این کار را دوستان از مراجع گرفته بودند، نه اینکه نگرفته بودند. برادر بنده آدمی بود که شاید یک دانه سوزن هم بدون رأی و حکم مرجع تقلیدش بر نمی‌داشت. خیلی محتاط بود و به همین ولایت فقیه که آن وقت خیلی مطرح نبود اعتقاد داشتند. اصولاً ما از ولایت فقیه که الان بحث می‌شود همان وقت که به تکلیف رسیدیم پیروی می‌کردیم. به مسائل و احکام دینی کاملاً مقید بودیم و از آنها اطاعت می‌کردیم.»



## حال و هوای شهید امانی قبل از دستگیری

اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم شهید امانی را بعد از افطار از منزل ما بردند و هنگام سحر در منزل آقای رضوی دستگیر شد. یعنی تقریباً کمتر از ده ساعت در آنجا بودند. با این حال بعضی از دوستان در خاطر ایشان هیچ اشاره‌ای به این مسئله نکرده و فقط گفته‌اند شهید امانی هفت هشت شب در منزل آقای رضوی بود.

### ● سبک زندگی شهید حاج صادق امانی

گذشته از این حرف‌ها لازم است اشاره کنم در مدتی که شهید امانی در منزل ما به سر بردند از ایشان فیض بسیار بردیم. مرحوم حاج صادق امانی کمالات بسیار زیادی داشت. اوایل برای اینکه سرگرمی برایشان فراهم کنم کتاب‌های زیادی در اختیارشان قرار دادم، کتاب‌هایی نظیر سفرنامه ابن بطوطه، روح‌القوانین، تاریخ روضه‌الصفاء و... اما او گفت اینها را رها کن! قرآن و نهج‌البلاغه را بچسب. گفت هر چه می‌خواهی در قرآن و نهج‌البلاغه هست.



تمام اینها با تفکر عمیق و دقیق در قرآن و نهج‌البلاغه به دست می‌آید.

به‌علاوه شهید حاج صادق امانی در ادب و نزاکت واقعا نمونه بود. ادب و احترام فوق‌العاده ایشان

واقعا مرا تحت تأثیر قرار داد. در افطار و سحر و روز و شب معمولاً به خواب و حداقل غذا قناعت می‌کرد. غیر از دو زانو جور دیگری نمی‌نشست. حتی زمانی که نیمه شب برای خوردن سحری بیدارش می‌کردم، اول شلوارش را می‌پوشید. هیچ‌وقت با پیژامه سر سفره نمی‌آمد. این همه مقید به آداب بود. در زمانی که آدم تحت تعقیب است و خانواده‌اش از او خبر ندارند و در صورت دستگیری حکم اعدامش داده خواهد شد، به‌راستی عجیب و تحسین‌برانگیز بود.

برگرفته از خاطرات مصطفی حائری‌زاده

مصطفی حائری‌زاده عضو هیئت موسس

چند شبی از ترور منصور نگذشته بود که آقای عراقی و عسگراولادی به منزل ما آمدند و گفتند برای مخفی کردن حاج صادق امانی محلی مناسب‌تر از منزل شما نیافتیم. آقای عسگراولادی گفتند آن شبی که منصور ترور شد مرحوم شهید صادق امانی را به منزل شهید لاجوردی بردند. دو روز بعد شهید لاجوردی گفتند صادق امانی شوهر خواهر من است و امکان دارد خیلی زود به سراغ من بیایند و منزل را تفتیش کنند. بهتر است او را از اینجا ببریم.

### ● همچون غریب کوفه

آقای عسگراولادی می‌گفت در این شرایط ما مضطر شده بودیم که چه باید بکنیم و صادق امانی را کجا پنهان کنیم. ایشان فرمودند مثل حضرت مسلم که شب عرفه مضطر شده بود. عین جمله‌شان همین بود. در همین زمان شهید عراقی پیشنهاد دادند او را به منزل حائری‌زاده می‌بریم. آقای عسگراولادی که مرا می‌شناخت پرسید: «منزل حائری؟ چطور؟ او چند تا بچه کوچک دارد.» شهید عراقی گفت: «شما مصطفی رانمی‌شناسید. من او را خوب می‌شناسم. حاج صادق را به منزل او می‌بریم.»

به این ترتیب بود که من هم پذیرفتم و در یکی از شب‌های ماه رمضان بعد از افطار مرحوم امانی را با ماشین ایل مدل قدیمی که به حاج آقا توکلی تعلق داشت آوردند و در منزل ما گذاشتند. مرحوم امانی حدود هشت شب در منزل ما بود، اما هیچ‌جا در این باره صحبتی نکردم و به کسی نگفتم. قبل از انقلاب احدی این موضوع را نمی‌دانست، غیر از رفقای که در زندان بودند. خانواده امانی هم می‌دانستند. بعد از انقلاب بعضی اوقات که صحبت آن روزها می‌شد تعجب می‌کردم از کسانی که از این ماجرا اطلاع داشتند، ولی در خاطر ایشان گفته‌اند شهید امانی هفت هشت شب در منزل آقای رضوی بود. در صورتی که ایشان بعد از اینکه همین مدت را در منزل ما گذراند، بار دیگر توسط آقایان عسگراولادی، عراقی و توکلی به منزل آقای رضوی برده شد و در کمتر از چند ساعت در همان جا دستگیر شد.

## سید مصطفی میر سلیم مطرح کرد: شهادت شهدای موتلفه بیانگر شکل گیری

### تغییر انقلابی در دوران خفقان

رئیس شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی گفت: شهادت شهدای موتلفه اسلامی (امانی، هرندی، نیک نژاد، بخارائی) بیانگر شکل گرفتن اراده تغییر انقلابی در دوران خفقان و حاکمیت انحراف و نفاق و تباهی است.

سید مصطفی میر سلیم، رئیس شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی گفت: شهادت طلایه داران انقلاب اسلامی از موتلفه، بیانگر شکل گرفتن

اراده تغییر انقلابی در دوران خفقان و حاکمیت انحراف و نفاق و تباهی است.



## روایت هاشم امانی از دادگاه شهدای موتلفه:

# موضع ما برتر و حق جویانه بودن نه ضعف و ندامت

### ● گفتند مگر اینجا رستوران است

در طول دادگاه که رفت و آمد می کردیم توانستیم بعد از مدت‌ها همدیگر را ببینیم و با هم صحبت کنیم. همه متفق القول بودند که هر کس هر کاری که انجام داده است قبول داشته باشد و هیچ وقت نخواهد جرم کس دیگری را سنگین تر یا جرم خودش را انکار کند. حتی یک بار در جواب قاضی گفتیم جرم دیگر برادران را به گردن ما بیندازید که یکی از بازپرسان گفت مگر اینجا رستوران است که می گویند به حساب من بگذارید.

### ● موضع ما برتر و حق جویانه بود

وقتی در دادگاه از من سؤال شد که چه کار کردی، جواب دادم اسلحه‌ها را تهیه کردم. یا زمانی که از حاج صادق پرسیدند این اسلحه‌ها را برای چه به محمد بخارایی دادی، ایشان با صراحت جواب داد برای اینکه منصور را به قتل برساند یا در جای دیگر هنگامی که از علت قتل منصور سؤال شد پاسخ داد چون خائن، مفسد و سد راه اسلام و مسلمین و واجب‌القتل بر حسب حکم کلی شارع بود و بر همه مسلمانان فرض بود که او را از جلوی راه بردارند و خود شما هم می‌بایست اقدام به کشتنش می کردی. موضع ما موضع برتر و حق جویانه بود، نه موضع ضعف و ندامت.

### ● عوامل دادگاه از رفتار شهدا بسیار رنج می‌بردند

هنگامی که دادستان در ادعای خود مطالبی را در محکومیت عمل جمع ما و مظلومیت منصور با نشان دادن دستکش‌های خونین او و عکس دو فرزندش مطرح کرد و قصد تحریک عواطف را داشت، در پایان جلسه رسمی دادگاه از ما عذرخواهی کرد و اینکه تمام این کارها بر حسب اعتقادش نبود، بلکه بر حسب وظیفه بود. همه بچه‌ها در دادگاه از روحیه بالایی برخوردار بودند و در موقع تنفس عوامل دادگاه، قضات و رئیس دادگاه هنگامی که بچه‌ها را می‌دیدند که با همدیگر می‌خندند و بر خوردهای صمیمانه‌ای دارند بسیار رنج می‌بردند.

### بر گرفته از خاطرات هاشم امانی



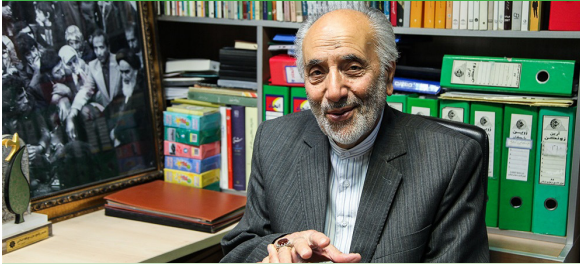
پس از پایان بازجویی و بازپرسی پرونده را برای سیزده نفر تکمیل کردند و بقیه آزاد شدند. اولین دادگاه در ۱۲ یا ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۴۴ برگزار شد. محل دادگاه که دادگاه نظامی بود، در چهارراه حسن آباد حدود بیمارستان سینا قرار داشت. روز اول دادگاه ما را صدا زدند و سوار اتوبوس کردند. مسیروش هم خیلی کم بود. هر نفر را دستبند زده در اتوبوس می‌نشاندند و به دادگاه می‌بردند.

### ● رئیسی که از کار ما لذت می‌برد

رئیس گروه جهت انتقال استوار ایزدخواست بود که مأمور خوبی بود. هنگام رفت و برگشت از دادگاه خیلی مراعات ما را می‌کرد. مثل اینکه خودش هم انگیزه مخالفتی با حکومت داشت. گرچه هیچ وقت به زبان نیاورد، اما از طرز برخوردها و ظواهرش مشخص بود از واقع شدن چنین جریانی خیلی راضی بود. در جلسات دادگاه با دقت به مدافعات گوش می‌داد و از این همه شجاعت لذت می‌برد. در اوقات تنفس سربازی را می‌فرستاد تا برای ما نان بربری، کره و پنیر بخرد و در جمع ما با خنده و به مسخره گرفتن آن همه تشریفات به خوردن نان و پنیر و کره مشغول می‌شد. رئیس دادگاه از این عمل خودمانی و دوستانه او با گروهی که متهم به قتل نخست‌وزیر مملکت بودند بسیار ناراحت می‌شد و بارها به او اعتراض کرد، اما استوار ایزدخواست چندان اهمیتی به این اعتراضات نمی‌داد و به نوعی گذرا در برابر واکنش او رد می‌شد.



# ابوالفضل توکلی بینا مطرح کرد: حمایت عملی امام از یاران مؤتلفه اسلامی



و پیامد آن مطرح کرد: در دادگاه به شهید بخارایی، آن جوان رشید گفته شد تو را گول زده‌اند. بدنام می‌شوی. شهید محمد بخارایی هم در پاسخ به این گفته‌ها شجاعانه گفت رجز خوانی نکنید. تا مادامی که امام ما در ترکیه در تبعید است همگی تان زیر نظر هستیم و به سزای اعمالتان می‌رسید.

توکلی بینا در ادامه اضافه کرد: بلافاصله دادگاه را تعطیل کردند و رئیس دادگاه و دادستان پیش شاه رفتند و این مسئله را مطرح کردند. در واقع یکی از دلایل اینکه امام را بیشتر از یک سال در ترکیه نگه نداشتند همین اظهارات شهید بخارایی در دادگاه بود.

وی در خصوص حمایت امام از زندانیان از مؤتلفه که به علت اعدام انقلابی منصور زندانی بودند، با بیان خاطره‌ای گفت: ما در زندان بودیم. حاج سید محمد علمدار یزدی که از بازاریانی بود که وضع مالی خیلی خوبی داشت، خدمت امام در نجف رفت و پول زیادی را جلوی ایشان گذاشت و گفت من از رفقای آقای توکلی بینا هستم. وقتی این جمله را گفت امام با دو دست پول را برگرداندند و گفتند این جوانان در زندان هستند و ممکن است خانواده‌هایشان به خاطر فشار مالی متلاشی شوند. این پول را ببرید و به خانواده‌های این زندانیان بدهید. حاج سید محمد علمدار یزدی به ایران برگشت و با خانم به زندان به ملاقاتم آمد و آنچه را که بین او و امام گذشته بود برای ما گفت. ما تشکر کردیم، اما پول را نپذیرفتیم.

ابوالفضل توکلی بینا، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در باره جریان منجر به اعدام انقلابی حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت رژیم پهلوی توسط مؤتلفه به خبرنگار نمانیوز گفت: فردای روزی که حضرت امام (ره) را به ترکیه تبعید کردند شاخه نظامی جمعیت‌های مؤتلفه جلسه‌ای را در منزل یکی از یاران مؤتلفه تشکیل داد. پس از هفده هجده ساعت بحث و گفتگو مشخص شد سه نفر مفسد فی الارض هستند، شاه، نصیری رئیس وقت ساواک و حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت.

### ● حسنعلی منصور عامل تبعید امام (ره) به ترکیه بود

وی افزود: از بین این سه نفر حسنعلی منصور بیشتر از سایرین به حضرت امام (ره) بی‌ادبی و بددهانی می‌کرد و او بود که بی‌سر و صدا لایحه کاپیتولاسیون را به مجلس شورای ملی وقت برد و امام (ره) را به ترکیه تبعید کرد.

این عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در خصوص پیوستن شهید محمد بخارایی به شاخه نظامی مؤتلفه اشاره کرد: شهید بخارایی جوان هجده ساله فوق‌العاده‌ای بود که عضو شاخه نظامی شد و دوره نظامی دید و در نوزده سالگی اقدام به اعدام انقلابی منصور کرد.

### ● پاسخ کوبنده شهید محمد بخارایی

وی با اشاره به اظهارات شهید محمد بخارایی در بیدادگاه شاهنشاهی



## روایت سیدتقی خاموشی از چگونگی گرفتن مجوز از آیت‌الله میلانی: اگر کسی بتواند این کار را بکند جزو واجبات است

جواب دهیم؟ ایشان فرمودند اگر این کار بشود در مورد شخص منصور خیلی به‌جا و به‌مورد است و از نظر شرعی بسیار شایسته است. اگر کسی بتواند این کار را بکند جزو واجبات است و باید بکند و به اطراف خسارتی کم بخورد. این جمله دقیقاً لفظ ایشان است. این جواب قاطع را که گرفتیم با توجه به صحبت‌های حضرت امام حجت بر ما تمام شد. من خوشحال به آقای مدرسی گفتم خوب جوابت را گرفتی، بلند شو برویم.

### برگرفته از کتاب عبد شکور

خدمت حضرت آیت‌الله میلانی برویم و آنجا از ایشان سؤال کنیم و سؤال را همان جا جواب بگیریم و بیاییم.

### ● گرفتن جواب قاطع

خدمت حضرت آیت‌الله میلانی رفتیم. فقط ما و ایشان بودیم. یادم هست ایشان تشریف بردند کنار حوض. جای خنکی بود. آنجا نشستیم و با هم صحبت کردیم. همین‌طور صحبت‌ها را کردیم تا اینکه گفتیم اگر گروهی یا شخصی پیدا شود که بتواند منصور یا شاه را اعدام کند، شما اجازه می‌فرمایید؟ ایشان

در مرحله اول از جواب صریح ابا کردند. بعد من عرض کردم ما از شما فتوا نمی‌خواهیم. لطفاً اگر می‌شود صریحاً بفرمایید که اگر ما برویم و این کار را انجام دهیم اولاً آیا نزد خدا مأجور هستیم و ثانیاً مسئولیتی بر گردن ما نیست که آن دنیا بخواهیم



تقی سیدخاموشی: خدمت اکثر مراجع که می‌رسیدیم از جواب قاطع ابا می‌کردند و به‌طور ضمنی می‌گفتند این کار ممدوح است، منتهی با این کیفیت که بخواهید رأس یعنی شاه را بنزید شرایط مهیا نیست و هرج و مرج می‌شود. ما نیاز به مجوز قطعی داشتیم. آن زمان حضرت آیت‌الله میلانی اولین شخصیت صاحب‌نام و ذی نفوذ روحانیت داخل ایران بودند که شاه ناگزیر به ایشان خیلی اهتمام داشت. ما هم به رفقاً عرض کردیم ما حاضریم راجع به مسئله فتوا خدمت ایشان برویم. مدرسی یکی از افراد کادر نظامی بود که بعداً به چه صورتی در آمد بماند. گفتم شما ایشان یا یک نفر دیگر را همراه من بفرستید که



# روایت تاریخ در گفتگو با دکتر اسدالله بادامچیان

## نظر امام خمینی (ره)

### در خصوص جهاد مسلحانه مؤتلفه اسلامی

من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! بعد امام فرمود: «والله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند.» این فرمایش امام به معنی اعتراض نیست. از اعتراض بالاتر است و باید اقدامی کند و اگر اقدامی نکند مرتکب گناه کبیره شده است.

#### ۲- اعدام انقلابی حسنعلی منصور به دست شهدای مؤتلفه

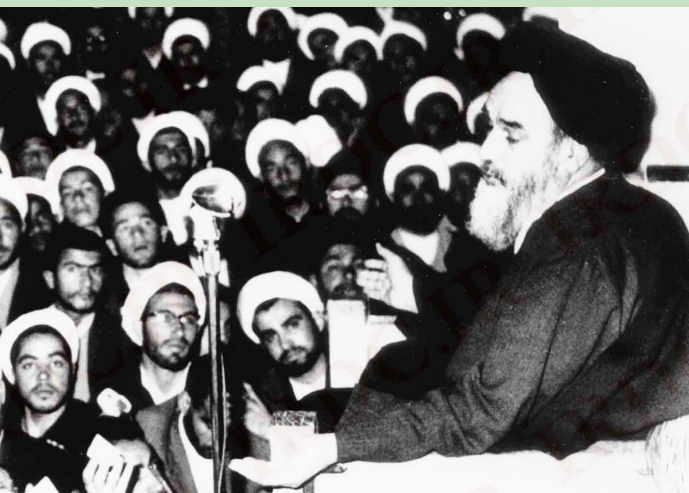


پس از تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون توسط مجلس فرمایشی شورای ملی وقت حسنعلی منصور به عنوان نخست‌وزیر شروع به جسارت به امام، مراجع تقلید، اسلام و روحانیت کرد. بعد معلوم شد می‌خواهند این لایحه به تصویب رسیده را اجرا کنند. به همین علت مبارزان به این نتیجه رسیدند باید جلوی این قضیه را بگیرند و با اعتراض و تظاهرات نمی‌توان جلوی اجرایی شدن این مصوبه را گرفت و باید اقدامی انجام شود که نهایتاً تصمیم به اعدام انقلابی حسنعلی منصور گرفته شد.

وقتی در بیدادگاه شاهنشاهی از شهید حاج صادق امانی پرسیده شد چطور شما با این آرامش و تدین و تقوا دست به اسلحه بردید و منصور را زدید؟ ایشان هم آرام پاسخ داد چون مجتهد جامع‌الشرایط ما فرمود والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند. ما دیدیم باید فریادی زده شود که در کاخ سفید آمریکا شنیده شود و آن از دهان گلوله است و این کار را کردیم.

#### ۳- نظر امام (ره) درباره جهاد مسلحانه مؤتلفه اسلامی

اعدام انقلابی حسنعلی منصور با رعایت تمامی موازین شرعی بود. در باره اعدام انقلابی منصور از امام (ره) سؤال نشد، چون امام (ره) به



خبرنگار ما طی گفتگویی با اسدالله بادامچیان، دبیر کل حزب مؤتلفه و از مؤسسين حزب در باره ابعاد مختلف اعدام انقلابی حسنعلی منصور توسط شهدای مؤتلفه جويا شد که در ادامه آمده است.

#### ۱- لایحه کاپیتولاسیون و تأثیر آن بر ملت ایران



کاپیتولاسیون قرارداد ننگینی است که در جریان شکست‌های ایران از روسیه تزاری از طرف دولت روسیه بر حکومت بسیار ضعیف و ذلیل فتحعلی شاه قاجار تحمیل شد. به دنبال آن کشورهای دیگر زورگوی جهان مثل انگلیس و سایر کشورهای اروپایی همین قرارداد را به ما تحمیل کردند. کاپیتولاسیون به این معنا بود که اگر هر یک از اتباع آن کشورها در ایران و یا ایرانیان خودفروخته که وابسته به آنها هستند خطا، جرم یا جنایتی مرتکب شدند در ایران نشود آنها را محاکمه کرد و باید آنها را به آن کشور بفرستند و در آن کشور محاکمه شوند.

#### • کاپیتولاسیون ضد فرهنگ و تمدن و امنیت و آرامش یک ملت است

کاپیتولاسیون ضد استقلال و ضد حقوق بشر و ضد فرهنگ و تمدن و امنیت و آرامش یک ملت است. از آن زمان به بعد یکی از خواسته‌های به‌حق ملت ایران لغو این قرارداد ظالمانه بود. در دوران رضاخان که رضاخان مزدور انگلیس بود و نیازی به چنین قراردادی نبود، او با هیاهو اعلام کرد ما کاپیتولاسیون را لغو کرده‌ایم.

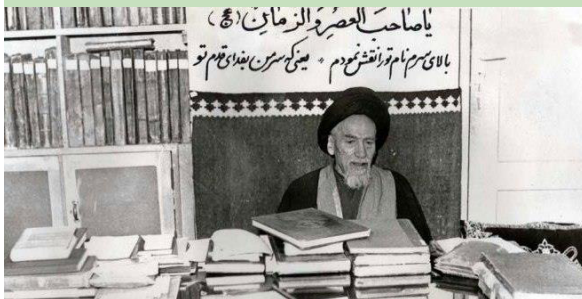
با آغاز نهضت امام خمینی در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۱ وقتی ساواک و سرویس‌های اطلاعاتی امنیتی خارجی متوجه شدند نمی‌توانند جلوی قیام مردم علیه رژیم شاهنشاهی به رهبری امام خمینی را بگیرند، تصمیم گرفتند بار دیگر کاپیتولاسیون نظامی را در ایران برقرار کنند. این کار به صورت مخفیانه و محرمانه و به دور از اطلاع عمومی طی لایحه ننگینی انجام شد. این لایحه به قدری ننگین و ظالمانه بود که تصویب آن را به نمایندگان فرمایشی مجلس شورای ملی وقت تحمیل کردند. پس از آن اعلام عمومی هم نکردند. لایحه کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا این امکان را می‌داد که هر کاری که می‌خواهند در کشور ما بکنند و به هر نحوی که می‌خواهند اقدام به سرکوب و کشتار ملت ایران از مردم عادی گرفته تا مبارزان و مراجع تقلید کنند و ثروت‌های ملی کشور ما را به غارت ببرند و به نوامیس ما تجاوز کنند.

#### • امام (ره): من اعلام خطر می‌کنم!

وقتی امام از تصویب چنین لایحه ننگینی مطلع شد بسیار ناراحت شد و فرمود: «این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد... عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند... آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران،



### ۵- اجازه از آیت الله میلانی



با وجود اینکه از شهید مطهری و شهید بهشتی پرسیده و تأیید آنها را گرفته بودند، اما آقایان می خواستند به کارشان استحکام ببخشند که دیگر هیچ بحثی در آن نباشد. لذا تصمیم گرفتند از یکی از مراجع محترم تقلید هم مجوز بگیرند. این مرجع تقلید مرحوم آیت الله العظمی میلانی در مشهد بود. دو بار از ایشان سؤال شد، یک بار توسط آقای تقی سید خاموشی و عباس مدرسی - که الان جزو منافقین و فراری و در پاریس است - که آیت الله میلانی روی زدن شاه و منصور نظر مساعد داد. بار دوم آقای تقی سید خاموشی و آقای حاج علی اکبر حیدری خدمت آیت الله میلانی رفتند. آیت الله میلانی که حکم را دادند خیال دوستان راحت شد.

سال ۱۳۴۴ که از زندان آزاد شدم خدمت آیت الله میلانی رفتم. در گوش ایشان مسائل داخل زندان و مقاومتها را گفتم. ایشان فرمودند دوستان شما آنجا گفتند فلانی حکم زدن منصور و شاه را داده است. آیا آنجا جای راستگویی است؟ گفتم نخیر، آیت الله! جای راستگویی نیست، ولی هم شکنجهها سخت و مهیب هستند و هم گاهی اعتراضات مشابه پیش می آید و لذا در بازجویی برخی مسائل لو می رود. این طور نیست که به خاطر ضعف مبارزین باشد.

### • واکنش آیت الله میلانی به دستگیری خودشان

از طرف شاه سه حقوقدان ارتش خدمت آیت الله میلانی رفته بودند و به ایشان گفته بودند می گویند شما حکم اعدام منصور و شاه را داده اید. آیت الله میلانی هم گفته بود بله، من داده ام. آنها هم گفتند شما که این حرف را بنزید جزو مقدمین علیه امنیت کشور و مقام سلطنت می شوید و ما باید شما را بگیریم. آیت الله میلانی گفته بودند من مفتی هستم و فتوا را می گویم. باید حکم خدا را بگویم. نمی توانم حکم خدا را نگویم. الان هم از من بپرسید تکلیف شاه چیست، می گویم اینها مهدورالدم هستند و باید کشته شوند. گفتند شما که این حرفها را می زنید باید شما را دستگیر کنیم. آیت الله میلانی هم گفتند چه بهتر! شما که نمی گذارید حرفهایم به مردم برسد. وقتی مرا بگیرند مردم می پرسند چرا فلانی را گرفتند. پاسخ خواهند شنید که گفته است باید شاه را کشت. مردم هم می روند حکم خدا را اجرا می کنند و حکم خدا معطل نمی ماند. آنها هم رفتند و به شاه گفتند. شاه گفت هنوز نگفته دارند ما را می کشند. این را هم که بگویند بدتر است. ول کنید. آنها هم قضیه را رها کردند. روشن است در آن شرایط لازم نبود آیت الله میلانی حکم رسمی می داد. هر کسی این حرف را بزند معلوم است یا غرض دارد یا متوجه مسائل مبارزاتی نیست.

### ۶- نظر امام (ره) پس از اعدام انقلابی حسنعلی منصور

#### توسط شهدای مؤتلفه

امام (ره) هیچ وقت این اقدام را نفی نکردند، منتهی مصلحت سیاسی اجازه نمی داد صراحتاً حکم آیت الله میلانی مبنی بر اجازه زدن منصور را تأیید کنند. مهم اینجا بود که افرادی را که در این باره نقش داشتند تأیید کردند. امام (ره) می دانستند آیت الله مطهری در این باره حکم داده است. امام (ره) در باره آیت الله مطهری فرمودند من همه مطالب ایشان را تأیید می کنم. آقای مطهری تنها کسی است که امام (ره) تمامی نظرات ایشان را تأیید کرده است. شهید مطهری و شهید بهشتی در مؤتلفه از طرف امام (ره) نماینده بودند. امام (ره) که تبعید بود نظر آنها نظر امام (ره) بود. آیت الله میلانی هم مجتهد جامع الشرایط بود و حضرت امام (ره) که نظر مراجع را تخطئه نمی کرد و تأیید می کرد. حمایت امام (ره) از زندانیانی که به اتهام دست داشتن در اعدام انقلابی حسنعلی منصور در زندان بودند، نیز دلیل دیگری بر تأیید امام (ره) از این اقدام شهدای مؤتلفه بود.



بورسای ترکیه تبعید شده بود و در بدترین وضعیت امنیتی قرار داشت و هیچ کس نمی توانست به ترکیه برود و با ایشان صحبت کند و اصلاً امکان ارتباط با ایشان نبود، اما زمانی که امام (ره) در سال ۱۳۴۳ آزاد شد از ایشان در باره تشکیل سازمان جهاد مسلحانه مؤتلفه اسلامی سؤال شد. اول امام (ره) در خصوص تشکیل این سازمان به مرحوم حبیب الله عسگرولادی گفتند چرا شما این کار را می کنید. دیگران هستند که این کار را بکنند، ولی بعدا معلوم شد دیگران قدرت این کار را ندارند. با امام (ره) بحث شد که آیا امکانش هست از رژیم می که کشتار مردم در فاصله روزهای ۱۵ تا ۱۸ خرداد سال ۱۳۴۱ را انجام داده و بعد قضیه فیضیه و سایر قضایا و کاپیتولاسیون را به وجود آورده است، انتظار نرمش داشت و با چنین رژیمی به سازش رسید؟ معلوم بود نمی شود. دو راه بود یا شاه و رژیم شاهنشاهی برود یا اسلام. اسلام که نمی توانست برود، پس باید شاه می رفت. امام (ره) فرمودند انجام بدهید. به شرطی که از کسی اسلحه نگیرید یا خودتان اسلحه را بسازید یا بخرید.

### ۴- نظر شهید مطهری و شهید بهشتی



امام (ره) فرموده بودند اگر به من دسترسی نداشتید نظر آقایان مطهری و بهشتی به جای نظر من قبول است و برای شما حجت شرعی است. در جلسه ای با حضور شهید حاج صادق امانی و بعضی دوستان دیگر بودیم که شهید اسلامی به جلسه آمد و گفت دیروز خدمت آیت الله مطهری بودم و ایشان فرمودند باید چند نفر از سران رژیم به خاک بیفتند تا روحیه ملت بازسازی شود و جلوی توطئهها گرفته شود. همان جا شهید امانی نفس بلندی کشید و گفت الحمدلله! که حکم را دادند.

نظر شهید بهشتی هم مانند نظر شهید مطهری مساعد بود که هیچ راهی باقی نمانده است جز اینکه عمل قوی و مسلمی نشان داده شود که رژیم را سر جای خودش بنشانند، منتهی ایشان این را علنی نمی گفت. در آن شرایط نباید هم علنی می گفت.



جواد مقصودی عنوان کرد:

## تلاش های صورت گرفته برای جلوگیری از اعدام شهدای موقوفه اسلامی

● **تأثیر خون شهدای موقوفه اسلامی**  
وی افزود: سرویس های اطلاعاتی امنیتی دنیا و شاه و هم پیمانانش نمی دانستند با به شهادت رساندن شهدای موقوفه خون اینها به جوشش در می آید و بساط سلطنت ۲۵۰۰ ساله سفاک، خونریز و بی دین برچیده خواهد شد و شاهی که می خواست کشور امام زمان (عج) را به کشوری لائیک تبدیل کند فرار خواهد کرد.

مقصودی در پایان اشاره کرد: یادم هست آقای غروی نامی بود که روحانی شجاعی بود. او در آن شرایط خفقان گفت حاضریم بیایم و مرا به جای سه نفری که محکوم به اعدام شدند و مستقیم در اعدام انقلابی منصور



نقشی نداشتند اعدام کنند و آن سه نفر را آزاد کنند. این فرد خیلی به ما کمک کرد

حرکتی کند و پرچم را بردارد و اقدام اولیه را بکند و بعد بقیه آن را تأیید و دنبال کنند. ما مأمور بودیم که چنین شخصی را پیدا و کار را دنبال کنیم.

### ● تلاش برای سرکوب اقدام شهدا

عضو هیئت موسس حزب موقوفه اسلامی در ادامه خاطر نشان کرد: در همین راستا خدمت



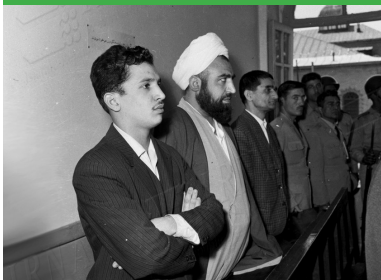
حضرت آیت الله میلانی رفتیم. ایشان از سران انقلاب در مشهد بود. قبلاً هم اجازه داده بود این کار انجام شود. ایشان گفتند اقداماتی را که لازم باشد انجام می دهیم، ولی بیشتر باید قم به پا خیزد و حرکت کند. البته آنها هم کم و بیش کارهایی انجام دادند، اما نشد، چون ساواک، موساد و سایر سرویس های اطلاعاتی امنیتی در دنیا مصمم بودند این قضیه را سرکوب کنند تا کسی دو باره جرأت انجام چنین کاری را نداشته باشد.



جواد مقصودی، عضو هیئت موسس حزب موقوفه اسلامی در باره تأثیر اعدام انقلابی حسنعلی منصور توسط شهدای موقوفه به خبرنگار ما گفت: این اقدام جو خفقان و تاریک آن دوران را دگرگون کرد و همیشه شاهنشاهی و ساواک را فروریخت. پس از آنکه ابهت رژیم ستمشاهی فرو پاشید و ماهیت ضد اسلامی شاه و رژیمش بر مردم ایران نمایان شد، مردم سلحشور ایران به فکر انتقام و مقابله با این رژیم افتادند.

وی در خصوص اقداماتی برای آزادی شهدای موقوفه پس از دستگیری آنان اشاره کرد: شخصاً به خیلی جاها رفتم، از جمله خدمت حضرت آیت الله میلانی در مشهد، مراجع قم و جاهای دیگر. همه آنها پذیرفتند اعدام این شهدا جنایت است و اینها بی گناه هستند، اما منتظر بودند یکی از بزرگان و علما

## شهدای موقوفه بسیار مراقب بودند از موازین اسلامی تخطی نکنند



گریه افتاد. آنها این فرد را دلداری می دادند که چرا داری گریه می کنی. ما داریم پرواز می کنیم، ناراحتی مان برای شماسست که در غل و زنجیر هستید. خداوند ما را طلبیده است و داریم به سمت معشوق پرواز می کنیم.

### ● آنها خوشحال از اجابت «هل من

ناصر یمنصرنی» امام خمینی بودند

سال دوم دبیرستان بودم که امکان ملاقات با مرحوم والد فراهم شد و در جمع این چهار شهید حضور پیدا کردم. قبلاً آن شهدا را ندیده بودم و چهره هایشان، به خصوص چهره شهید محمد بخارایی برایم جالب بود. آنها جوان، متین و آرام بودند و چهره هایی نورانی داشتند. گویی خواسته های قلبی شان در حال تحقق یافتن بود. نه فقط ترس نداشتند، بلکه وجودشان لبریز از نشاط درونی بود. آنها از اینکه توانسته بودند جلوی توطئه عامل منفور آمریکا را بگیرند و ندای «هل من ناصر یمنصرنی» امام خمینی (ره) را اجابت کنند خوشحال و مشتاق شهادت بودند.

از جمله حضرت امام (ره) و حضرت آیت الله میلانی از اقدام نسبت به شاه منصرف شد و تمرکز خود را بر حسنعلی منصور گذاشت که سرانجام در مدخل ورودی مجلس شورای ملی منصور به سزای اعمال ننگین خود رسید. پس از اعدام انقلابی منصور تعدادی از یاران مؤتلفه دستگیر و برخی به اعدام و عده ای به زندان طولانی محکوم شدند.

### ● شهدای مؤتلفه بسیار مراقب بودند

از موازین اسلامی تخطی نکنند

شهدای گرانقدر این اقدام شجاعانه که بر حسب تکلیف دینی خود عمل کردند: شهید محمد بخارایی، شهید رضا صفارهرندی، شهید مرتضی نیک نژاد و شهید حاج صادق امانی، از لحاظ اعتقادی و اخلاقی به درجه ای از معرفت رسیده بودند که خداوند در نفسشان به بزرگی نشسته بود و غیر خدا در قلبشان جایی نداشت. مرحوم عالم مجاهد آیت الله محی الدین انواری که در باره این پرونده بازداشت و زندانی طولی الممدت شدند نقل می کردند شهید بخارایی از من خواستند عقاید و دینشان را به من عرضه کنند که اگر شک و شبهه ای دارد رفع شود، چون می خواستند در سفر ابدی تردیدی در معاد و اعتقاد ایشان وجود نداشته باشد.

شبی که قرار بود چهار شهید مؤتلفه را برای اعدام ببرند، کوچک ترین فرد دستگیر شده که محکوم به زندان بود و جزو اعدامی ها نبود به

حسین انواری

عضو شورای مرکزی

### ● هدف

#### کاپیتولاسیون

تصویب کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی یکی از خواسته های آمریکایی ها برای سلطه هر چه بیشتر بر کشور ما بود و حسنعلی منصور عامل آمریکا و مهره خوبی برای تحقق بخشیدن این خواسته بود. در آن مقطع فضای کشور جو رعب و وحشت و اختناق شدید بود و مردم وادار به سکوت و بی تفاوتی شده بودند. در چنین خفقانی امام در نطق آتشین خود فریاد زد که به پا خیزید. در این شرایط مؤتلفه اسلامی احساس تکلیف کرد که این سکوت تحمیل شده بر ملت را در هم بشکنند و هشداری به رژیم شاه بدهند. از این رو بر آن شد ضربهای بر بیکره رژیم شاه بزنند. در این زمینه طرحی مبنی بر اعدام انقلابی شاه یا نخست وزیر منفور حسنعلی منصور تدوین شد. مؤتلفه در رایزنی هایی که با برخی از مراجع عظام و کسب اذن از آنها صورت داد،



# ماجرای انتقال اجساد مطهر شهدا



بعدها جسد شهید نواب صفوی به قم منتقل شد. بعد از آن به مسگر آباد آخری که سمت راستش کوه است برویم تا به طرف کارخانه مس برسیم که الان آنجا هم پارک شده است، قبلاً دبیرستانی بود که می گفتند تعدادی از شهدای ۱۵ خرداد را هم به صورت گروهی به اینجا آوردند و رویشان خاک ریختند. در چند نقطه اینجا شهدا را دفن کردند، ولی اجازه مراسم ندادند.

● ملاکی برای مبارز بودن و ادامه راه آن شهدا

هر چند به گزارش ساواک حدود ۵ هزار نفر در شب هفتم شهدا آمدند که از تجمع آنها جلوگیری شد. بعد کار مردم هم این شده بود که آنجا سخنرانی می کردند و سر قبر این شهدا می آمدند، چون اجازه نصب سنگ قبر هم به آنها ن داده بودند، روی هم سنگ می چیدند. این سنگها بالا می آمد و شبیه یک گنبد بلند می شد. روی قبر هر کدام از اینها با رنگ یا قلمی چیزی می نوشتند. مثلاً اینجا قبر امانی، نیکنژاد، هرندی و بخارایی است. بعد از آزادی پدرم تقریباً جمعه هر هفته سر قبر این شهدا می رفتیم و مردم و خیلیها که مبارز بودند هم می آمدند.

اصلاً خود این شده بود ملاکی برای مبارز بودن و ادامه راه آن شهدا. با اینکه بچه بودم با پدرم به قبرستان می رفتم و یکی از آرمانهایم این بود که راه اینها را بروم و مثل اینها عمل کنم. این شهدا برایمان خیلی بزرگ، عظیم و الگو بودند. در آذر ماه سال ۱۳۵۷ و نزدیکی های انقلاب (هنوز رژیم پهلوی سر کار بود) چون یارانشان احساس کردند می خواهند اینجا را پارک کنند، حاج مهدی عراقی، بعضی از بستگان حاج صادق امانی، آقای قدیریان و بعضی از دوستانشان رفتند و اجازه گرفتند و مخفیانه برای اینکه نام و یاد این شهدا بماند و از بین نرود، نیش قبر کردند و جسد اینها را در حالی که جای گلوله روی جمجمه آنها بود در آوردند و در مسجد ماشاءالله که نزدیک ابن بابویه (قبر شیخ صدوق در راه شهرری) است دفن کردند.

برگرفته از تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهید محمدصادق اسلامی

علیرضا اسلامی  
فرزند شهید

بعد از اینکه حاج صادق امانی، رضا هرندی، مرتضی نیکنژاد و محمد بخارایی را اعدام کردند، پیکر این شهدا را آوردند در خیابان خاوران به طرف ورامین که می رویم، یک مسگر آباد اولیه هست که نواب صفوی و یارانشان را اینجا دفن کرده بودند که الان پارک است. (بعدها جسد شهید نواب صفوی به قم منتقل شد). بعد از آن به مسگر آباد آخری که سمت راستش کوه است برویم تا به طرف کارخانه مس برسیم که الان آنجا هم پارک شده است، قبلاً دبیرستانی بود که می گفتند تعدادی از شهدای ۱۵ خرداد را هم به صورت گروهی به اینجا آوردند و رویشان خاک ریختند. در چند نقطه اینجا شهدا را دفن کردند، ولی اجازه مراسم ندادند.

تولیت آستان امامزادگان هادی و بی بی زینب علیهما السلام عنوان کرد:

## اعتقاد و اعتماد مردم به زیارت شهدای مؤتلفه اسلامی



شب جمعه غبارروبی داریم و سر مزارشان مداحی و شعرخوانی انجام می شود. همراه مردمی که به سر مزار این شهدا می آیند میثاق با شهدا داریم.

آیا کسی از این شهدا حاجتی گرفته است؟

یک بار شخصی روحانی بعد از اینکه امامزاده را زیارت کرد پیشم آمد و گفت: «من از یکی از شهدای مؤتلفه حاجت گرفتم.» اسم شهید را هم برد. شهید نیکنژاد بود. قدری توضیح داد و گفت مشکلی داشتیم و به اینجا می آمدم و می رفتم و بالاخره حاجتم را گرفتم. حاجتم این است که همین الان که با لباس روحانیت به اینجا می آیم قبلاً این گونه نبودم. من نه شماره تماسی از آن شخص گرفتم و نه اسمش را پرسیدم. مردم به این شهدا اعتقاد دارند و به مزارشان می آیند، به خصوص شهید صادق امانی که در بازار بود و به مردم کمک می کرد.

چنانچه ناگفته ای دارید بفرمایید.

عاجزانه از بچه های حزب مؤتلفه اسلامی می خواهم مراسمات مذهبی بیشتری بر سر مزار این شهدا بگیرند و کارهای فرهنگی بیشتری در باره معرفی شهدای مؤتلفه و علت شهادتشان و اینکه آنها برای مقابله با لایحه ننگین کاپیتولاسیون به شهادت رسیدند

۲۶ خرداد سالروز شهادت شهدای مؤتلفه، شهید حاج صادق امانی، شهید رضا صفارهرندی، شهید محمد بخارایی و شهید مرتضی نیکنژاد است. در باره نگاه مردم به این شهدا و ارتباط قلبی شان با آنها خبرنگار ما با حسین اورنگیان، تولیت آستان امامزادگان هادی و بی بی زینب علیهما السلام و قبرستان این امامزادگان در شهرری گفتگو کرد که در ادامه می خوانید.

نگاه مردم به شهدای مؤتلفه چگونه است؟

شهدای مؤتلفه به عنوان خاکریز انقلاب معروف هستند. مردم این شهدا را از کسانی می دانند که انقلاب اسلامی را به وجود آورده اند. اینها کاری کردند که انقلاب اسلامی به وجود آمد. موقعی که کسی جرأت نمی کرد اسم حضرت امام(ره) را بیاورد اینها بودند که توانستند مردم را به انقلاب پشت گرم کنند و با رژیم ستمشاهی مقابله کردند. شهدای مؤتلفه گوش به فرمان امام(ره) و سربازان واقعی حضرت امام(ره) بودند. مردمی که به مزار این شهدا می آیند به این شهدا خیلی اعتقاد و اعتماد دارند و می گویند اینها پیشگامان انقلاب بودند.

در خصوص توجهی که به این شهدا و مزارشان می شود برایمان بگویید.

خودم یکی از عاشقان این شهدا هستم و همیشه به مزارشان سر می زنم. ما هر هفته

در خصوص توجهی که به این شهدا و مزارشان می شود برایمان بگویید.

خودم یکی از عاشقان این شهدا هستم و همیشه به مزارشان سر می زنم. ما هر هفته

## پیام شهدای مؤتلفه نفی هر گونه سرسپردگی به استکبار جهانی است

امیر نظیفی:

وی پیرامون پیام چهار شهید مؤتلفه مطرح کرد: جمله‌ای از شهید محمد بخارایی خطاب به جوانان هست که هم در دادگاه بیان کرد و هم در وصیتنامه‌اش مکتوب ساخت که ای جوانان! من اولین گلوله را به سمت استبداد و دیکتاتوری شلیک کردم. بعد از این نوبت شماست که این راه را ادامه بدهید. این جوانان هستند که می‌توانند انقلاب را به ثمر برسانند.

**پیام شهدای مؤتلفه نفی هر گونه سرسپردگی به استکبار جهانی است**

این عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در پایان اعلام کرد: پیام شهدای مؤتلفه شجاعت، دفاع از دین و مملکت و نفی هر گونه سرسپردگی و فروختن منافع ملی و منافع انسانی و منافع اسلامی کشور به استکبار جهانی است.



این عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه با استناد به اسناد موجود و اظهارات بزرگان مؤتلفه خاطرنشان کرد: یاران مؤتلفه در آن مقطع در این باره جلسات متعددی را برگزار کرده و شاه، نصیری رئیس وقت ساواک و حسنعلی منصور را طبق احکام شرعی مفسد فی الارض تشخیص داده بودند. در این میان حسنعلی منصور با تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون ملت ایران را از حقوق حقه خودشان ساقط کرد.

وی با بیان اینکه توجیه نشود اعدام انقلابی منصور توسط مؤتلفه از سر هیجان جوانی یاران مؤتلفه بوده است یا آنها تحت تأثیر افکار کمونیستی و ضد انسانی قرار گرفته بودند، گفت: قبل از این اقدام افرادی از مؤتلفه پیش آیت‌الله میلانی رفتند و اجازه این مرجع تقلید عالیقدر را گرفتند. با شهید مطهری یکی از اعضای شورای روحانیت مؤتلفه نیز مشورت شد.

نظیفی با تأکید بر اینکه اعدام انقلابی حسنعلی منصور توسط شهدای مؤتلفه کاملاً آگاهانه بوده است اظهار کرد: رژیم در دادگاه برای اینکه شدت تأثیرگذاری تبلیغاتی این اقدام را بکاهد اعلام کرد اینها جوانان نوزده بیست ساله‌ای بودند که آگاهی نداشتند و دچار هیجان شدند و فریب خوردند، اما با سخنرانی عزّای شهید محمد بخارایی این توطئه رژیم خنثی شد.



امیراحرار نظیفی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در باره تأثیر اقدام شهدای مؤتلفه در اعدام انقلابی حسنعلی منصور به خبرنگار ما گفت: این اقدام شهدای مؤتلفه بسیار تأثیرگذار بود و موجب عقب‌نشینی شاه و رژیم ستمشاهی شد و حرکتی در انقلابیون و مذهب‌بیون ایجاد کرد که نتیجه‌اش پیروزی انقلاب اسلامی بود. به فرموده مقام معظم رهبری اینها ستارگانی بودند که در آن تاریکی درخشیدند. آنها راه جدیدی را به مبارزان نشان دادند و امید دوباره‌ای را در دل آنها زنده کردند. وی در خصوص اقدام رژیم شاهنشاهی برای از بین بردن تأثیر اعدام انقلابی منصور بیان کرد: رژیم توجیهاتی را برای شکست سنگینی که مجموعه اطلاعاتی و امنیتی‌اش متحمل شده بود مطرح کرد، از جمله جوان و خام و ناآگاه بودن شهدای مؤتلفه.

● چرا حسنعلی منصور انتخاب شد؟

## روایت‌های کاغذی که بوی حادثه می‌دهند

جامانده از رژیم پهلوی بیان می‌کنند از آن دست از آرشیه‌های متقن و مطمئن هستند که می‌شود برای کارهای پژوهشی روی آنها حساب باز کرد در حوزه وقایع کاپیتولاسیون و اعدام تاریخی یکی از وابستگان استعمار کتاب‌های به روایت اسناد که حاصل تلاش مرکز اسناد انقلاب اسلامی است کارایی دارد اما نکته مهم این است که عمدتاً شهدای مؤتلفه در کنجی از این اسناد قرار دارند کتاب‌هایی نظیر شهید اندرزگو بر اساس اسناد و خاطرات و ناگفته‌ها و پرونده ساواک از این جنس هستند.

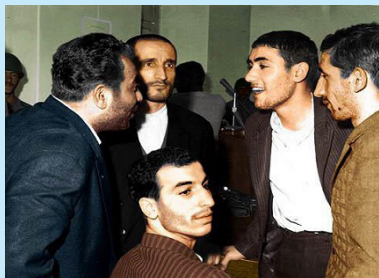
**بایدهایی که باید نوشته شوند**

با اینکه آثار متفاوتی در حوزه نشر مکتوب در زمینه شهدای مؤتلفه اسلامی تألیف شده است اما به جرأت می‌توان گفت همچنان خلأ وجود آثاری که سبک زندگی شهدا به ویژه یاران شهید امانی به عنوان جوان انقلابی و استکبارستیز را برای نسل امروز روایت کند احساس می‌شود، همچنین پرداختن به کیفیت زندگی و فعالیت در قالب یک تشکیلات الهی نیز می‌تواند منجر به تولید آثاری موضوع محور شود.

به زندگی مبارزاتی شهید با روایت نزدیکان می‌پردازد.

**طعم شیرین شهادت با چاشنی خاطره**

یک بخش دیگر از آثار مکتوب درباره شهدای حزب مؤتلفه اسلامی در خاطره نگاشت‌هایی است که از زبان مبارزان و هم‌زمان بیان شده کتاب پنجم، خاطرات



حاج هاشمی امانی و کتبی از این دست هر چند زندگی‌نامه و مبارزات مردان انقلاب را روایت می‌کند اما هنگامی که به مرحله سال ۴۲ و رویداد انقلابی ترور منصور می‌رسد چاشنی خاطره را با طعم شیرین شجاعت و دلآوری در می‌آمیزد.

**به روایت اسناد**

ناگفته‌ها که حوادث را بر اساس اسناد به

نقیسه‌زارعی کتاب به عنوان یک اثر مکتوب برای ثبت رویدادهای

گونگون از دیرباز مورد توجه قرار داشته است، حکومت‌ها، آدم‌ها و اصولاً تمدن‌ها برای آنکه حافظه تاریخی‌شان مسائل مهم را به یاد فراموشی نسپردند آنها را در چارچوب کتاب ثبت و ضبط می‌کنند، وقایع سال ۱۳۴۲ ایران نیز از آن دست از وقایعی است که نظر مورخان و اهالی فرهنگ را به خود جلب کرده است اما حادثه ترور حسنعلی منصور توسط شهدای مؤتلفه اسلامی و به تبع آن دادگاه تاریخی این شهدا هم از برش‌های تاریخی مهمی است که در حوزه نشر مقبول افتاده است.

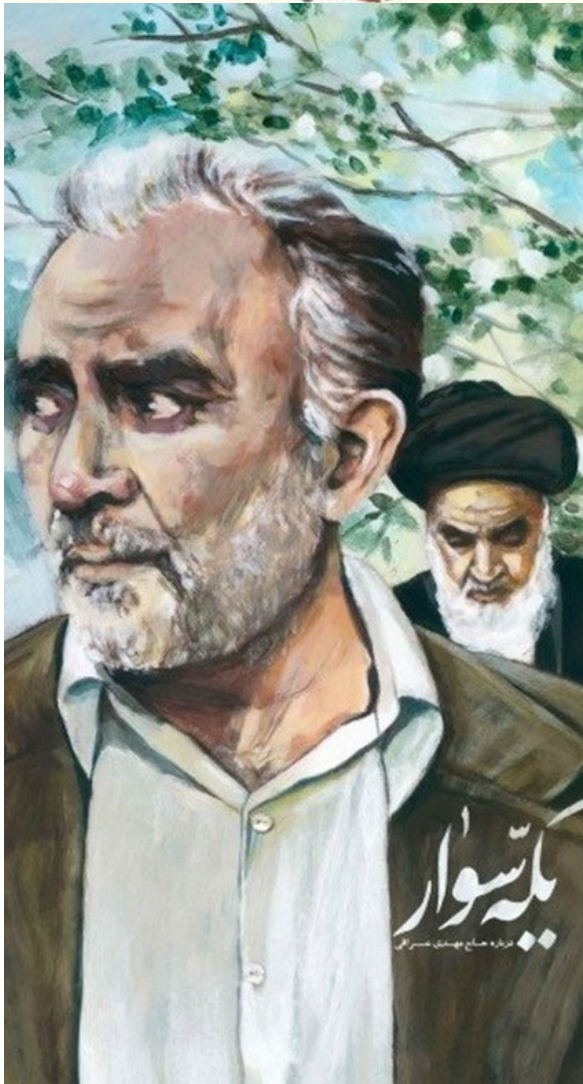
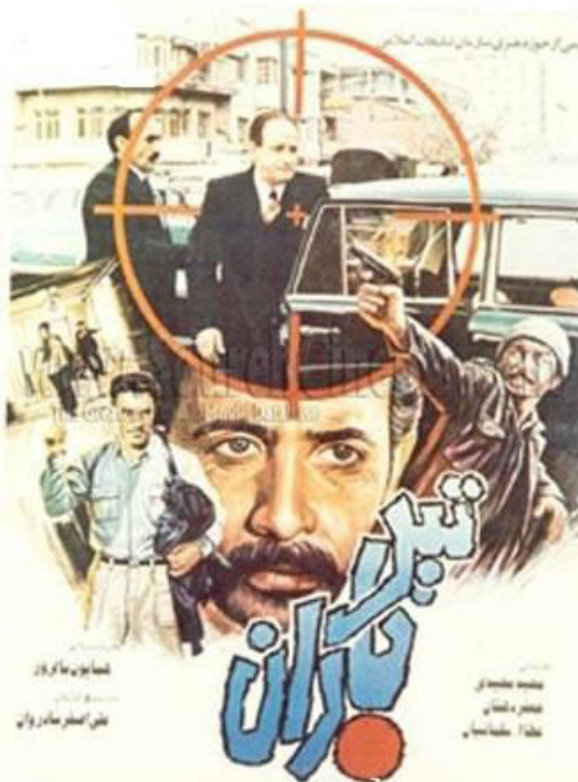
**تاریخ شفاهی جوانمردان**

تاریخ شفاهی گونه‌ای نسبتاً جدید در زمینه ثبت و ضبط تاریخ و تجارب است این روش هر چند متکی به حافظه تاریخی راویان است اما با این حال بکر بودن وقایع و زوایای مختلفی را از یک اتفاق و یا شخصیت، درست شبیه برگ برنده رو می‌کند. تدوین تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهید صادق امانی به قلم امین عزیزی و مجتبی سلطانی احمدی

# جای خالی چند مرد در قاب دوربین

رضوانه باهری

روزنامه نگار



روایت یک حادثه مهم و قهرمانانه رقم زدن آن اتفاق موضوعی است که همواره سوژه قاب دوربین فیلم‌سازان و مستندسازان قرار می‌گیرد و ماندگاری آن را با خود به ارمغان می‌آورد؛ اتفاقات یک انقلاب از این دست از سوژه‌هاست دکتر شهلا خلیلی مدرس دانشگاه و کارشناس ادبیات پایداری و دفاع با اشاره به این مهم و توجه ویژه به حادثه ترور حسنعلی منصور و نقش شهید صادق امانی و یارانش در خلق این واقعه و انعکاس آن در آثار تصویری می‌گوید: جنس واقعه ترور منصور و به تبع آن به شهادت رساندن شهدای مؤتلفه اسلامی در شرایط اختناق ستم‌شاهی، از آن دست از پیرنگ‌های نابی است که به دلیل بافت تصویری قوی می‌تواند تبدیل به فیلم‌نامه‌ای مستقل شود، البته آثاری در این زمینه ساخته شده است اما متأسفانه این آثار عموماً با پرداختن به حادثه ترور، شخصیت شهدا و کار تشکیلاتی منسجم آنها را در آن شرایط سخت برای مخاطب نادیده گذاشته است این در حالی است که مهمترین مؤلفه‌های پایداری در این واقعه و شخصیت‌های آن مشاهده می‌شود.

نگاهی به رویدادهای هنری در حوزه شخصیتی و عملیاتی شهدای مؤتلفه اسلامی نیز گواهی بر کمبود آثار تصویری در این زمینه است فیلم‌هایی مانند تیرباران که به زندگی شهید سیدعلی اندرزگو می‌پردازد و یا تله فیلم رگبار که بخشی جدا شده از سریال داستانی معمای شاه به کارگردانی محمدرضا ورزی است بر این مقوله صحنه می‌گذارد علیرام نورایی بازیگر نقش شهید حاج صادق امانی در رگبار درباره این نقش و کیفیت حضورش چنین می‌گوید: فضایی که برای ایفای این نقش در اختیارم قرار گرفت خیلی فضایی نبود که بتوانم به تمام ابعاد شخصیت حاج صادق امانی پی‌برم ولی به هر حال صادق امانی و مؤتلفه‌ای‌ها قاعدتاً تأثیر به‌سزایی در روند پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند.

در دنیای مستند اما اوضاع کمی متفاوت‌تر است هرچند باوجود تاریخ شفاهی نسبتاً کافی و مدارک و مستندات موجود می‌توان اثری از جنس آثار مقاومت ساخت اما با تمام این تفصیلات ضعف در این حوزه نیز مشاهد می‌شود، پرداختن به اصل حادثه در حاشیه تصویر شخصیتی دیگر و نشان ندادن ابعاد کافی شهدای مؤتلفه در رویداد ضداستکباری سال ۴۲ مانند آثار بلند تصویری، بیانگر آن است که علاقمندان می‌توانند در زمینه مستند داستانی، زندگی‌نامه‌ای و گونه‌های دیگر ورود جدی پیدا کنند. مستندهایی مانند شهید عراقی را بکش و یک سوار از آن نمونه‌هایی است که به حضور شهید عراقی در کنار سایر شهدای مؤتلفه در واقعه پرداخته و گریزی به ایشان زده است البته سایر آثار مستند که با محور واقعه اعدام انقلابی منصور و کاپیتولاسیون ساخته شده به صورت کلی به حرکت شجاعانه شهدای حزب پرداخته‌اند اما در این بین مستند شهید صادق امانی که سال‌ها پیش در بسیج جامعه اصناف رونمایی شد اثری مستقل در این زمینه بود که متأسفانه یا در شبکه توزیع عمومی قرار نگرفت و یا با مشکلی دیگر مواجه شد.

به هر ترتیب آنچه مسلم است مانایی یک حادثه و شخصیت‌ها و انتقال ارزش‌های مقدس از طریق تصویر، شیوه‌ای اثبات شده است که در این روزهای تثبیت دشمنی استکبار می‌تواند مورد بازخوانی قرار بگیرد.



# نگاهی به تشکیلات ایدئولوژیک امام صادق (ع) مجهول‌ترین و ابهام‌آمیزترین فصل زندگی اهل بیت



عهده‌دار بود، ولی این تنها یک روی مسأله و بخش ناچیزی از آن است. موضوع تشکیلات پنهان در صحنه زندگی سیاسی امام صادق (ع) و نیز دیگر ائمه علیهم‌السلام، از جمله مهم‌ترین و شورانگیزترین و در عین حال مجهول‌ترین و ابهام‌آمیزترین فصول این زندگینامه‌ی پرماجر است.

برای اثبات وجود چنین سازمانی نمی‌توان و نمی‌باید در انتظار مدارک صریح بود. نباید توقع داشت که یکی از امامان یا یکی از یاران نزدیکش صراحتاً به وجود تشکیلات سیاسی - فکری شیعی اعتراف کرده باشد؛ این چیزی نیست که بتوان به آن اعتراف کرد. انتظار معقول آن است که اگر روزی هم دشمن به وجود تشکل پنهانی امام پی برد و از خود آن حضرت یا یکی از یارانش چیزی پرسید، او به کلی وجود چنین چیزی را انکار کند و گمان آن را یک سوءظن یا تهمت بخواند. این، خاصیت همیشگی کار مخفی است.

باید در پی قرائن و شواهد و بطون حوادث ظاهراً ساده‌ای بود که اگر چه نظر بیننده‌ی عادی را جلب نمی‌کند، ولی با دقت و تأمل، خبر از جریان‌های پنهانی بسیاری می‌دهد. اگر با چنین نگرشی به سراسر دوران دو قرن و نیمی زندگی ائمه علیهم‌السلام نظر شود، وجود یک تشکیلات پنهان در خدمت و تحت فرمان ائمه علیهم‌السلام تقریباً مسلم می‌گردد. (۲)

پی نوشت:

۱- بیانات در تاریخ ۱۴/۶/۵۹

۲- بیانات در تاریخ ۲۱/۳/۵۸

امام جعفر صادق (ع) را همگان به مجالس درس و بحث و ابعاد علمی و فقهی شخصیت حضرت می‌شناسند. هرچند این نگرش صحیح است اما کامل نیست زیرا امام دارای ویژگی‌های مهم دیگری نیز بودند که کمتر به آن پرداخته شده است. مقام معظم رهبری در بیانات خود به بخش‌های مغفول از حیات آن امام همام اشاره داشته‌اند.

**مطابق فرمایشات معظم له نمودارهای مهم و برجسته در زندگی امام صادق (ع) بدین شرح هستند:**

۱. تبیین و تبلیغ مسأله امامت.
۲. تبلیغ و بیان احکام دین به شیوه فقه شیعی و نیز تفسیر قرآن به روال بینش شیعی.
۳. وجود تشکیلات پنهانی ایدئولوژیک - سیاسی.

«امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود. مرد علم و دانش بودنش را همه شنیده‌اید. مرد مبارزه بودنش را کمتر شنیده‌اید. اما آن بعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق (ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی این که وقتی امام صادق (ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بداند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی جمع

کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق (ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. تکلیف سیاسی هم مثل تکلیف دینی واجب‌الاجرا است. امام صادق (ع) یک چنین تشکیلات عظیمی را به وجود آورده بود و با این تشکیلات و به کمک مردمی که در این تشکیلات بودند با دستگاه بنی‌امیه مبارزه می‌کرد. در هنگامی که پیروزی او بر بنی‌امیه حتمی بود، بنی‌عباس به عنوان یک جریان مزاحم و فرصت‌طلب آمدند، میدان را گرفتند و بعد از آن امام صادق (ع) هم با بنی‌امیه و هم با بنی‌عباس مبارزه کرد. (۱)

## ● وجود تشکیلات پنهانی

امام صادق (ع) در اواخر دوران بنی‌امیه، شبکه‌ی تبلیغاتی وسیعی را که کار آن، اشاعه امامت آل علی (ع) و تبیین درست مسأله امامت بود، رهبری می‌کرد؛ شبکه‌ای که در بسیاری از نقاط دوردست کشور مسلمان، به ویژه در نواحی عراق و خراسان، فعالیت‌های چشمگیر و ثمربخشی درباره مسأله امامت

باقر (ع) و بانویی بزرگوار با ویژگی‌هایی که وصف آن رفت می‌باشد. امام صادق در تخلق به اخلاق الهی زبانزد خاص و عام و در بسیار بخشنده بودن، جوانمردی و حلم و گذشت یگانه دهر بود. در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام مستندات زیادی وجود دارد. فقها و دانشمندان بزرگ، برتری بی چون و چرای حضرت را می‌ستودند. امام صادق علیه السلام با توجه به فرصت مناسب سیاسی که در ابتدای حکومت بنی‌عباس پیش آمده بود نهضت علمی شکل گرفته در زمان پدر بزرگوار خود را در گستره‌ای وسیع تر همچون دانشگاه بزرگی سامان داد که در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته‌ای را تربیت نمود که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته‌اند.

هریک از شاگردان حضرت، شخصیت‌های بزرگ علمی و چهره‌های درخشانی بودند که خدمات بزرگی انجام دادند.

تنها یکی از این چهره‌های تابناک، "جابر بن حیان" است که بیش از دویست جلد کتاب در زمینه علوم گوناگون به خصوص رشته‌های عقلی و طبیعی و شیمی تصنیف کرده و به همین جهت به عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است. کتاب‌های "جابر بن حیان" به زبان‌های گوناگون اروپایی در قرون وسطی ترجمه گردید و نویسندگان تاریخ و علوم، همگی از او به عظمت یاد می‌کنند.

قبل از به پایان بردن این نوشتار مناسب است از دریای معارف سخنان امام شهید جرحه‌ای برگزیریم؛ آنجا که در خصوص دانش و دانایی از وی روایت شده است که فرمود:

«در پاسخ به پرسش از این سخن پیامبر که "نگریستن به چهره علمای عبادت است" - فرمود: منظور عالمی است که چون به او بنگری، تو را به یاد آخرت اندازد و کسی که برخلاف این باشد، نگاه کردن به او فتنه (گمراهی) است.

هر چیزی، زکاتی دارد و زکات دانش، آموختن آن است به اهلش.

هر که برای خدا علم بیاموزد و برای خدا (به آن) عمل کند و برای خدا به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها از او به بزرگی یاد شود و گفته شود: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

در میان مردم (گنجهکار) سخت‌ترین عذاب را عالمی دارد که از علم خود کمترین سودی نبرد.

دکتر محمدحسین نیک نام

## یگانه علم، عبادت

### و پرهیزگاری

نام او جعفر، کنیه اش ابوعبدالله و لقبش صادق بود. پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و مادرش "ام فروه" می‌باشد. از "ام فروه" همچون دیگر مادران بزرگوار ائمه معمولاً کمتر سخن گفته می‌شود؛ لذا مناسب است یاد آور شویم که "ام فروه" از زنان برجسته شیعه و زنی عابد، زاهد و محدثه بود. امام صادق علیه السلام در باره مادرش فرموده است: "كَانَتْ أُمِّي مِمَّنْ أَمَّنَتْ وَ اتَّقَتْ وَ أَحْسَنْتْ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" مادرم زنی مومن، متقی و نیکوکار بود و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (الکافی، ج ۱، ص ۴۷۲) "ام فروه" از امام سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام احادیثی نقل کرده است و از طرف امام جعفر صادق (ع) در رسیدگی به امور زنان مدینه و کالت داشت امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: همانا پدرم به ایشان برای پرداخت حقوق اهل مدینه (مستحقان) و کالت داده بود. (الکافی، ج ۴، ص ۴۲۸) این مسأله احاطه "ام فروه" را به جزئیات مسائل شرعی نشان می‌دهد.

و شهید ۲۵ شوال، زاده امام محمد

# هیچ گاه مسئولیت‌ها مانع نقش همسری و مادری ایشان نشد

حمید کلابی سنجانی  
همسر مرحومه رهبر

ایشان انسانی متعهد و پایبند به اصول و ارزش‌های نظام و شخصیتی بسیار وارسته و دیندار و متدین بودند. الگوهای ایشان در زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) بودند و به اهل بیت(ع) اقتدا می‌کردند. ایشان آگاه و عامل به دین در جهت کسب رضای الهی بودند.

مرحومه رهبر شخصیتی سیاسی، تشکیلاتی و شفاف، با روحیه انقلابی و شجاع و با تفکر ارزشی و اخلاق مدار و مؤدب بود. ایشان دلسوز، مردمی، محبوب و درد آشنای جامعه، به‌خصوص محرومین بود. ایشان بسیار پرتلاش و خستگی‌ناپذیر و تأثیرگذار و منشأ خدمات شایسته‌ای در عرصه‌های مختلف کشور و یک بسیجی، جهادی و ولایی تمام عیار بود.



برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند (دوره‌های هفتم، هشتم، نهم و یازدهم) رتبه اول را در بین بانوان

کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی آوردند. ایشان در سه دوره‌ای که نماینده مجلس بودند نایب رئیس کمیسیون بودند.

مرحومه رهبر در عین داشتن مسئولیتهای مختلف اجتماعی و سیاسی از نظر خصوصیات اخلاقی، دینداری و پاک و عقیف بودن این پیام را به همه زنان مسلمان می‌دهند که ما می‌توانیم حجاب داشته باشیم و نقش کلیدی هم در جامعه داشته باشیم.

فاطمه رهبر ولایت‌مدار بود و لحظه‌ای از ولایت‌مداری و تفکر بسیجی و جهادی زاویه نگرفت. شاخص ایشان در اقداماتشان بیانات مقام معظم رهبری و تمامی تلاششان این بود توصیه‌های مقام معظم رهبری را پیاده کنند. تحت هیچ شرایطی با هیچ کس معامله نکردند و هیچ رانتی دریافت نکردند. جالب است بدانید ایشان در ظهر عاشورای سال ۱۳۴۳ هجری متولد شدند و وفاتشان مصادف با روز تولد امیرالمؤمنین(ع) ۱۳ رجب بود.

ایشان با وجود مسئولیتهای سنگین اجتماعی در همسررداری، فرزندداری، مدیریت امور خانه و ارتباط با اقوام، دوستان و آشنایان کم‌نظیر بودند و هیچگاه وظایف و مسئولیتهای بیرون از منزل، ایشان را از وظیفه و نقش مادری و همسری غافل نکرد. مرحومه فاطمه رهبر در چهار دوره‌ای که

## روایت پسر مرحومه رهبر:

# ماجرای سفر به کربلا و پول بیت المال



تصویب قانون حمایت از خانواده،

ساماندهی مدل و لباس و تسهیل ازدواج جوانان، پیگیری قانون کاهش ساعات کار زنان شاغل با شرایط خاص و قانون بیمه زنان خانه‌دار بود.

حاج خانم در مأموریتی کاری به عنوان نماینده مجلس سفری به عراق داشتند. برنامه ایشان فشرده بود و جلسات پشت سر هم با فرماندار و استاندار حتی فرماندار کربلا و نجف داشتند که نرسیدند به زیارت بروند و گفتند من فقط از دور سلام دادم و گنبد را دیدم. ایشان می‌گفت با پول بیت‌المال برای سفر کاری رفته بودم. من برای زیارت رفته بودم.



ما این بود که الگوی ما اهل بیت(ع) باشد. وقتی خطا یا اشتباهی از ما سر می‌زد، هیچ برخوردی نمی‌کردند که احساس خجالت‌زدگی و ناراحتی کنیم و هیچ وقت ما را سرزنش نکردند. ایشان به نحوی ما را متوجه اشتباهمان می‌کردند و به ما کمک می‌کردند آن اشتباه را دوباره تکرار نکنیم. بهترین شیوه تربیتی ایشان رفتار ایشان بود که به ما عملاً نشان می‌داد چگونه باشیم. از مادر جز خوبی‌هایش هیچ چیز دیگری به خاطر ندارم.

عادل سنجانی  
پسر مرحومه رهبر

رفتار و... غافل نبودند. من به عنوان پسر خانواده که به باشگاه می‌روم و کارهای خودم را دارم، وقتی به خانه برمی‌گشتم شامم به راه بود و نظافت منزل و همه امور منزل در حد عالی بود و مادرم هیچ‌گاه در رسیدگی به وضع زندگی و خانواده و فرزندان کم نگذاشتند و ما به خاطر شاغل بودن مادرمان هیچ کمبودی در خانه احساسی نکردیم. زن ستون خانه است و مادرم واقعا توانست بین کار بیرون و کار خانه تعادلی برقرار کند که هیچ وقت کاری از منزل نماند و از وظیفه مادری‌اش کم نگذاشت. برجسته‌ترین ویژگی مادرم خستگی‌ناپذیری و قدرت ایشان در هر مسئله‌ای بود. قدرت ایشان نشأت گرفته از ارتباطی بود که با خدا داشت. از جمله اقدامات ایشان تلاش در

## روایت دختر مرحومه رهبر:

# همه جور پشتیبان نیازمندان بود

عطیه سنجانی  
دختر مرحومه

مادرم نسبت به مردم، به‌خصوص محرومین و نیازمندان بسیار دلسوز و مهربان بود. اولویت همیشگی ایشان رفع نیاز دیگران در هر شرایطی بود و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. حتی اگر کاری از دستشان بر نمی‌آمد فرد نیازمند را به کسی معرفی می‌کردند که بتواند کارش را انجام بدهد. ایشان همه جور پشتیبان بودند. این ویژگی را وقتی در کمیته امداد امام خمینی سمت داشتند به وضوح می‌توان دید که چقدر آنجا فعالیت کردند و زحمت کشیدند.

از وقتی که یادم هست مادرم مشغله خارج از منزل و فعالیت‌هایشان را داشتند. با وجود اینها ما هیچ وقت نبودشان را

در خانه حس نکردیم. این‌طور نبود که چون مادر شاغل و بیرون از خانه فعال هستند ما در خانه کمبودهایی احساس کنیم. همان‌طور که خارج از خانه خیلی فعال و موفق بودند به همان میزان و حتی بیشتر در خانه فعالیت می‌کردند و به امور خانه و خانواده می‌رسیدند و از هیچ کوششی برایمان دریغ نکردند و کم نگذاشتند. با توجه به اینکه مادرم خانمی مؤمن و باتقوا و الگویی‌شان اهل بیت(ع) بودند، تمامی سعی‌شان این بود که ما را هم همان‌طور تربیت کنند. تمامی هدف ایشان در تربیت

## مرحوم رهبر تلاش های مجدانه ای برای حل مشکلات کشور انجام داد

مجتبی امانی:

کشور انجام داد، تصریح کرد: وی برای حل مشکلات پیگیری های بسیار زیادی می کرد و در کمیته امداد نیز فعالیت های زیادی برای حل مشکلات مردم کرد و حتی اگر فردی نامه ای برای حل مشکلاتش به وی می داد، به این موضوع بی توجه نبود و آن مشکلات را پیگیری می کرد و اقدامات وی باری به هر جهت نبود و کاملاً برنامه ریزی می کرد.

عضو شورای ائتلاف نیروهای انقلاب تأکید کرد: اگر بخواهیم یک شخصیت متدین، محجبه و متعهد در میان مسئولان خانم را معرفی کنیم قطعاً خانم فاطمه رهبر یکی از اولین کسانی است که در این حیطة می گنجد.

و می خواستند جنجال هایی علیه وی ایجاد کنند اما آن افراد راه به جایی نبردند و این مسئله نشان دهنده شخصیت موثر و سنجیده خانم رهبر است.

وی ادامه داد: خانم رهبر به جزئیات بسیار توجه می کرد و در سه دوره که در مجلس حضور داشت در زمینه حقوق زنان اقدامات موثری انجام داد و اگر یکی از اصلاح طلبان یک دهم دستاوردهای خانم رهبر را داشتند، الان این جریان آن فرد را به عنوان الگوی جهانی خود مطرح می کردند.

امانی با تأکید بر اینکه فاطمه رهبر تلاش های مجدانه ای برای حل مشکلات



مجتبی امانی، عضو شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه آشنایی بنده با خانم رهبر به بیش از یک دهه باز می گردد، متذکر شد: وی سفر ویژه ای به نیویورک داشت و تأثیرات بسیار زیادی در هیئت پارلمانی ایران از خود به جای گذاشت

### روایت محمدرضا تهرانی از آخرین دیدار با خانم رهبر

## وعده هایی که فراموشی نشد



که مقیم آمریکاست به ایران آمده بود، برای دیدار با دوستانش در جلسه حضور داشت، بنده چند دقیقه ای به معرفی و خدمات ایشان در منصب های مختلف کمیسیونهای اصل نود و فرهنگی

ادوار گذشته مجلس، حزب مؤتلفه اسلامی، صدا و سیما، کمیته حضرت امام (ره) و ... پرداختم سپس مرحومه خانم رهبر بیش از یک ساعت به سؤالات کارشناسان، متخصصان سرشناس ورزش پیرامون مشکلات فرهنگی، دیپلماسی ضعیف ورزش کشور، اهمیت ورزش کشور، اهمیت مجلس یازدهم، ورزش پایه و بانوان و ... نیز به پرسش های آقایان یزدانی خرم رئیس سابق فدراسیونهای والیبال و کشتی، مهندس مهدی محمدنوبی دبیر کل فدراسیون فوتبال و صنعتکاران با متانت و دانایی و با ارایه راهکارهای بسیار فنی و مناسب پاسخ دادند که باعث حیرت و تعجب حاضرین شد به طوری که آقای صنعتکاران

با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات همگی؛ اینجانب با توجه به مسئولیت در ورزش کشور، کارگروه ورزش حزب مؤتلفه اسلامی و بخش ورزش نشریه «شما» و نیز مسئولیت در سازمان مردم نهاد ورزش، از دهه هفتاد با زنده یاد خانم دکتر فاطمه رهبر آشنا شدم و بارها تلفنی و حضوراً با ایشان تماس داشته ام. ابعاد اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ... شادوران رهبر مورد بررسی و معرفی قرار گرفت، اما تا کنون فعالیت و عملکردشان در ورزش ناشناخته مانده است که بنده خاطرات زیادی از آن دارم که به ذکر آخرین و تازه ترین خاطره آن خواهیم پرداخت.

اواسط بهمن ماه سال گذشته بود که ایشان را به عنوان میهمان ویژه و یکی از نامزدهای دوره یازدهم مجلس به جلسه کارگروه ورزش حزب دعوت کردم. در روز و ساعت مقرر آمدند «محمدعلی صنعت کاران» قهرمان جهان و المپیک و هم دوره شادوران غلامرضا تختی

ضمن تجلیل از خانم رهبر گفت: کمتر خانمی را چنین توانمند و مسلط در ورزش دیده ام. آخرین تماشای چهارم اسفندماه بود که برای عرض تبریک در انتخابات مجلس به ایشان زنگ زدم، ضمن تشکر، گفت: به یادم هست قولی که برای تخصیص بودجه برای سازمان های مردم نهاد در مجلس یازدهم دادم. انشاءالله اگر عمری باشد تلاش خواهیم کرد!

روزهای بعد تلفن هایم بی پاسخ ماند تا این که شنیدیم در بیمارستان دانشوری بستری شده اند و ... چند روز بعد با خبر تلخ و اندوهباری که سرشار بود از تأسف و افسوس و دردناک فهمیدم ایشان را از دست داده ایم.

روح مطهرش شاد و یادش گرامی

صاحب امتیاز: حزب مؤتلفه اسلامی  
مدیرمسئول: محمد مهدی اسلامی  
سر دبیر: حمیدرضا ترقی  
گرافیک: احمد عبادی  
چاپ: چاپخانه تهرانی  
تلفن: ۸۸۳۴۸۹۱-۲  
نماینده: ۸۸۳۴۲۸۲۱  
شماره پیام کوتاه: ۲۰۰۰۱۳۲۲  
سازمان توزیع: ۸۸۸۲۲۸۹۰  
سایت: www.shoma-weekly.ir  
رایانامه: info@shoma-weekly.ir  
نشانی: خیابان کریمخان زند - خیابان خردمند جنوبی - نبش کوچه یگانه  
پلاک ۴۴ - کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۴۷۱۱

هر روز برای شما منتشر می شود

روزنامه الکترونیک حزب مؤتلفه اسلامی

shoma - newspaper ir